

اعتراض به منزلهٔ یک ابزار پرتوان مردمی، فرصت عقده‌گشایی یا مجالی برای تخلیهٔ انرژی و سوپاپ اطمینانی برای تضمین تداوم دورهٔ مسئولیت زمامداران و صاحب‌منصبان نیست. خروجی این ابزار بی‌بدیل، رجزخوانی و ایجاد راه‌بندان و جلب توجه هم نیست، بلکه بیان صریح و عاقلانهٔ مطالبات و مطالبهٔ خواسته‌های برحق است که بر عهدهٔ مخاطب، تکلیف ایجاد می‌کند.

و جبران خسارات احتمالی. تجمع اعتراضی، به خودی خود، هدف نیست بلکه پلی است برای نیل به خواسته‌ای مشروع. عدم ایفای هریک از تکالیف مذکور حسب مورد، می‌تواند به سرخوردگی، ناامیدی و تمسک معترضان به شیوه‌های ناموجه و حتی خشونت‌بار مطالبه‌گری منجر شده و در نهایت اعتراض به اغتشاش تبدیل شود.

۲. نکتهٔ مهم دیگر در خصوص اصل ۲۷ این است که با چه رویکردی به آن نگاه شود؛ فرصت یا تهدید؟ واضح است که در صورت پذیرش مطالب بند قبل، تردیدی نمی‌ماند که اصل ۲۷ از «فرصت‌های قانون اساسی» است و متأسفانه از ظرفیت‌هایی که کمتر به آن توجه شده یا به اصطلاح از اصول مغفول ماندهٔ قانون اساسی است. این‌ها ظرفیت‌هایی هستند برای اینکه توده‌های مردم به صورت سازمان‌یافته یا حتی غیرمتشکل، خواست‌هایشان را در قالب اعتراض یا در قالب مطالبه‌گری و غیر این‌ها به گوش اجزای گوناگون حاکمیت از صدر تا ذیل برسانند. روشن است که چنانچه قانون‌گذاران و مجریان این تجمعات را فرصت بدانند، دیگر رویکرد انقباضی، مجوزمحور و نظارت‌پیشینی بر تشکیل تجمعات از انواع قوانین و ضوابط و رفتارها رخت بر خواهد بست. در این صورت، معترضان متشکل، جمعیت دلسوز و خودجوشی خواهند بود که یاریگر دستگاه حکمرانی خوانده می‌شوند و شعار و رفتار و انواع کنش‌ها و واکنش‌های آنان، حتی اگر در مصادیقی نادرست باشد، طور دیگری تفسیر خواهد شد.

۳. یک تلقی رایج اما اشتباه در پیشینهٔ قانون‌گذاری در خصوص اصل ۲۷، اختصاص برگزاری تجمعات به احزاب، جمعیت‌ها، انجمن‌ها و تشکل‌های رسمی، و پیش‌بینی ضوابط گوناگون در این باره است. در صورتی که مطابق قانون اساسی و آموزه‌های زیربنای اصل ۲۷ ضرورت ندارد لزوماً یک تشکل یا حزب، متقاضی برگزاری تجمع باشد و سایر اقشار مردم نیز باید بتوانند برگزارکنندهٔ انواع تجمعات باشند. اگرچه امکان برگزاری تجمعات توده‌های مردم در قوانین عادی نفی نشده، ولی به صورت ایجابی مشخص نیست اقشار گوناگون مردم چگونه می‌توانند از این ظرفیت قانون اساسی بهره ببرند و این سکوت سبب ابهام و در نتیجه معطل ماندن بخشی از ظرفیت عظیم قانون اساسی شده است.

۴. نظارت بر انواع تجمعات هم موجه است و هم مورد انتظار، اما هیچ دلیلی ندارد که این نظارت لزوماً پیشینی، و برگزاری تجمع به تشخیص یک مرجع حکومتی یا دولت غالب منوط باشد و این خود می‌تواند تبدیل‌کنندهٔ فرصت به تهدید و تحدیدکنندهٔ این آزادی به صورت ناروا باشد. تجمع یک فرایند است و در طول زمان برگزاری معنا می‌یابد و